

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)
 أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلِيلٍ (۲)
 وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)
 تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ (۴)
 فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان

مگر ندیدی پروردگارت با بیلداران چه کرد؟ (۱)

آیا نیرنگشان را بر باد نداد؟ (۲)

و بر سر آن‌ها، دسته دسته پرندگانی «ابابیل» فرستاد. (۳)

[که] بر آنان سنگ‌هایی از گِل [سخت] می‌افکندند. (۴)

و [سرانجام، خدا] آنان را مانند گاه جویده شده گردانید. (۵)

مقدمه

یکصد و پنجمین سوره کوتاه قرآن در کل، به حمله نافرجام ابرهه فرمانروای مسیحی یمن در سال ۵۷۰ بعد از میلاد اشاره می‌کند. گفته می‌شود پس از آنکه ابرهه موفق نشد زوار را از کعبه به سمت کلیسای جدید و مجللی که در صنعا بنا کرده بود، باز گرداند، بی‌حرمتی یکی از اعراب را به این کلیسا، دستاویزی برای حمله به مکه قرار داد و با سپاهی از فیل‌ها به مکه حمله کرد. بر طبق تفاسیر رایج سوره، اعراب که قادر نبودند با سپاه نیرومند ابرهه برابری نمایند، در کوه‌ها پناه گرفتند، اما خداوند با فرستادن پرندگانی که سنگ‌هایی کوچک به منقار و

فیل‌ها،

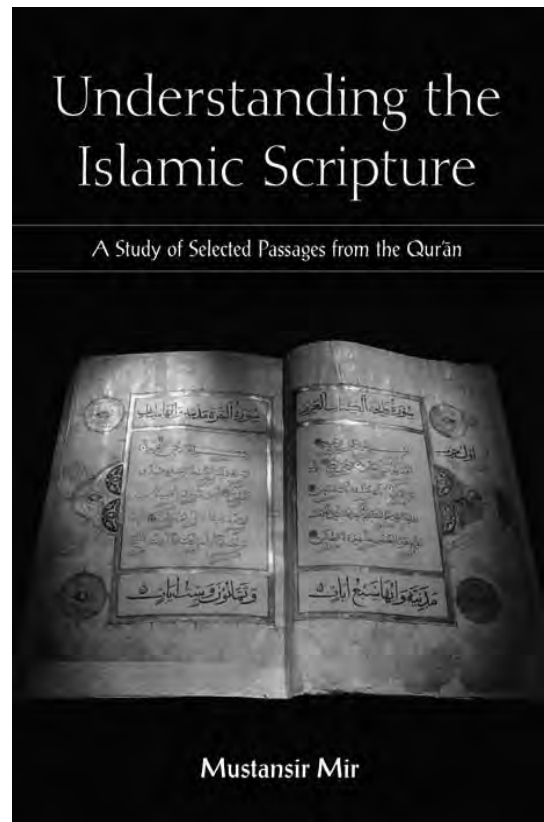
پرندگان شکاری

و انبوه سنگ‌ریزه‌ها:

تفسیر فراهی از سوره فیل^۱

مستنصر میر^۲

ابوالفضل حری



چنگال داشتند، تمام نقشه‌های ابرهه را نقش بر آب کرد و سپاه او را به هلاکت رسانید. آنچه از این سوره بر می‌آید این است که حمایت معجزه‌آسای خداوند از کعبه در مقابل سپاه ابرهه، موهبتی بزرگ از جانب خداوند برای مردم قریش بود؛ و در سورهٔ بعدی یعنی سوره قریش، به طور مستقیم و غیرمستقیم از آنان خواسته می‌شود که فقط خدای یگانه را پرستش کنند.

حمید الدین فراهی (۱۹۳۰-۱۸۶۲)^۳ مفسر هندی در کتاب خود تفسیری کاملاً جدید از این سوره ارائه می‌دهد. فراهی بر این باور است که خطاب سوره نه به پیامبر بلکه به قریش است و اینکه سپاه ابرهه نه توسط پرندگان بلکه بدست اعراب سنگ‌باران شدند.^۴ در واقع، اعراب در کوه‌ها پناه گرفته بودند تا از آنجا آنچه را که امروز بدان جنگ چریکی می‌گویند، علیه ارتشی که نمی‌توانستند با آن رودرو وارد مبارزه شوند، آغاز کنند. همچنین، فراهی معتقد است که در پی سنگ‌باران اعراب، از آسمان نیز سنگ‌بارانی به شکل طوفان باد بر سر سپاه ابرهه باریدن گرفت و آتش خشم را به سر آن‌ها فرو ریخت و پرندگانی که سوره بدان‌ها اشاره می‌کند، پرندگان شکاری‌اند که لاشه‌های سربازان ابرهه را به جای غذا مصرف می‌کنند و اجازه نمی‌دهند سپاهیان ابرهه به دیواره‌های شهر مکه دست یابند. این گونه تفسیر در نوع خود جذاب می‌نماید اما تحلیل مبسوط فراهی از داده‌های متنی سوره، برداشتی نامتعارف از روایت‌های حول و حوش سوره و ارائه تفسیری نو بر اساس مطالب مذهبی، تاریخی و ادبی، نیاز به ملاحظات جدی‌تری دارد. این مقاله دو بخش دارد. بخش اول بنیان‌های اصول بحث فراهی را خلاصه می‌کند. بخش دوم ضمن اشاره به پیامدهای این گونه اصول نظری، روش‌شناسی تفسیری فراهی را تجزیه و تحلیل می‌کند. فراهی بر آن بود که در پرتو این روش‌شناسی، تفسیری کامل زیر عنوان نظام القرآن: تأویل الفرقان بالفرقان، دربارهٔ قرآن به نگارش درآورد اما اجل مهلتش نداد. شاگرد وی امین احسن اصلاحی (۱۹۰۶-۱۹۷۰)^۵ روش‌شناسی تفسیری فراهی را در کل قرآن به کار بست و تفسیری چند جلدی به زبان اردو با عنوان تدبر در قرآن به رشته تحریر در آورد. اصلاحی نکات حائز اهمیتی دیگری به تفسیر فراهی از سوره فیل اضافه می‌کند. نکاتی که در جای خود به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

بخش اول

فراهی بحث خود را با طرح این مسئله آغاز می‌کند که سوره، واژگان غیرمعمول و مبهم ندارد و واژگان و عبارات آن را می‌توان از حیث دستوری و لغوی تبیین کرد («فیل»، «کید»، «تضلیل»، «ارسل علیهم»، «طیر»، «باییل»، «حجاره»، «سجیل» و «کعصف ماکول»). سپس، فراهی نکات زیر را به دقت وامی‌کاود: الف) مخاطب سوره کیست؟ ب) مضمون اصلی سوره چیست؟ ج) دلیل حمله ابرهه به مکه چه بود؟ و د) علل سنگ‌باران اصحاب فیل چه بود؟^۶

الف) مخاطب سوره کیست؟

سوره با عبارت «الم تر» (آیا ندیدی؟) آغاز می‌شود. فراهی بر این عقیده است که مخاطب این سوره کسانی هستند که یا خود شاهد حمله لشکریان ابرهه بوده‌اند و یا از رهگذر روایت‌های معتبر (تواتر) این واقعه را پذیرفته‌اند. بنابراین، خطاب این سوره، با جماعت انبوهی از مردم است اما استفاده از صیغه دوم شخص مفرد در این سوره مانند سوره‌های دیگر قرآن، برای جلب توجه تک‌تک افراد آن جماعت است. هر جای دیگر قرآن به منظور جلب توجه هر یک از افراد این جمعیت مورد خطاب است.^۷ فراهی بر این باور است که شخص محمد (ص) را مرجع عبارت «الم تر» دانستن، توجیه‌پذیر نیست، چرا که این عبارت نه یک فرد خاص بلکه، کل افراد را خطاب قرار می‌دهد. وانگهی، عبارت استفهامی «الم تر» در سوره، نوعی هشدار و تذکر است گویی می‌خواهد چنین بگوید که «چطور می‌توانید این‌گونه عمل کنید در حالی که خوب می‌دانید که نباید چنین باشید؟» و چنین هشدار و تحذیری بی‌شک نمی‌تواند خطاب به شخص محمد (ص) باشد، بلکه فقط متوجه بت پرستان مکه است که نسبت به خدایی که آن‌ها را در مقابل حمله ابرهه محافظت کرد، کفر و ناسپاسی ورزیدند. اگر این سوره را در کنار سورهٔ بعدی یعنی سورهٔ قریش قرار دهیم، در می‌یابیم که مخاطب عبارت استفهامی، قریشیان‌اند. یگانه دلیل خطاب قرار گرفتن پیامبر (ص)، قوت قلب دادن به ایشان است که خداوند مخالفانش یعنی قریشیان را شکست خواهد داد درست همان‌گونه که خداوند سپاه انبوه ابرهه را در گذشته شکست داد. اما ممکن است قریشیان نیز استدلال کنند که درست همان‌گونه که خداوند آنان را در برابر ابرهه پیروز گردانید، در برابر محمد (ص) نیز پیروز گرداند.^۸

ب) مضمون محوری سوره فیل

فراهی بر این باور است که سوره‌های قرآن، همگی منسجم و یک‌پارچه‌اند. بنابراین، دستیابی به مضمون محوری یا عمود سوره که تمام آیات سوره حول محور آن می‌چرخند، در روش‌شناسی فراهی نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابر نظر فراهی، عمود سوره فیل، بیان دلایل برای مکیان خصوصاً و اعراب عموماً، در راستای سپاس‌گزاری نسبت به خداوندی است که به سبب وجود کعبه، خود و شهرشان را متبرک و محافظت نمود. سورهٔ فیل فقط به این موهبت اشاره می‌کند و دیگر ذکر نمی‌کند که محصول این موهبت، سپاس‌گزاری از خداوند است که در سورهٔ بعدی یعنی قریش بر آن تأکید می‌شود.^۹

ج) دلیل حمله ابرهه

فراهی به دلایل مختلف، توجیهاتی را که در کل برای حمله ابرهه ارائه می‌کند، انکار می‌کند. در ابتدا، فراهی قبول ندارد که اعرابی که در شجاعت و جنگاوری، زبانزد عام و خاص‌اند، و با چنان تهوری از کیان و استقلال خود دفاع می‌کنند، از لشکریان ابرهه به سهولت شکست بخورند. فراهی می‌نویسد:

«هیچ بنی بشری نیست که مکان پرستش خود را چونان



خانه خداوند در نظر نگیرد. با این تلقی، آیا همچنان می‌توان باور کرد که اعراب به جای دفاع در برابر دشمن، این جایگاه پرستش خود را به آن‌ها تسلیم کنند؟ نمی‌توان تصور نمود که حتی اعراب بیابان‌گرد نیز چنین عمل کنند؛ و دیگر نمی‌گوییم که چطور اسبان، کوه‌ها، شمشیرها و تیرها برای قریشیان، مستحکم‌ترین دژهایی بود که در اختیار داشتند و از همان ابتدا، به حفظ کیان و استقلال خود علاقه‌مند بودند و این نکته، در سخنان مورخان بیگانه نیز آمده است.»

نقل است که شماری از قبایل عرب از بدو حمله ابرهه، به سپاهیان او حمله کردند و این حملات - آن‌گونه که مشهور است - نشانه مخالفت عمومی اعراب با لشکریان ابرهه بود. حتی برخی شاعران نیز این حملات را به دیده تحسین نگریسته‌اند. برای نمونه، ذوالرّمه که از شاعران صدر اسلام است، می‌گوید:

و أبرهة اصطادتْ صدورَ رِماحنا
جَهَاراً وَ عُثُونُ الْعِجَاجَةِ أَدْرُ
تَنَحِّي لِهْ عَمْرُو فَشِكْ ضَلُوعَهْ
بِنَافِذَةِ نَجَلَاءَ وَ الْخَيْلُ تَضْبِرُ

«سر نیزه‌های ما آشکارا ابرهه را صید نمود

آن زمان که ستون‌های خاک، سیاه و تیره شده بود

عمر با شکافتن سینه او به او یورش برد

با ضربتی که جراحی عمیق بر جای نهاد و اسب‌ها

در سرتاسر مسیر ایستاده بودند.»

همچنین گفته می‌شود که از میان قبایل، فقط قبیله ثقیف بود که با ابرهه همکاری داشت و رهبری قبیله، راهنمای ابرهه در حمله به مکه بود. اعراب، ابوتقیف را برای این خیانت، سرزنش کردند و حتی قبر رهبری ابوتقیف را سنگ‌باران کردند. اگر همه قبایل بسان ثقیف، فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند، دیگر لزومی نداشت ثقیف را گناهکار بدانند و رهبر آن را لعن و نفرین کنند، چرا که گمان می‌بردند که ممکن است ابوتقیف نیز از روی اجبار مجبور به همکاری با ابرهه شده باشد (فراهی، ص. ۱۸).

می‌گویند، ابرهه^{۱۲}، مردی آرام و ملایم بود که فقط پس از اینکه می‌بیند یکی از اعراب به کلیسای ساخت او، اهانت کرده، تصمیم می‌گیرد به مکه حمله کند^{۱۳}. اما این نکته، با آنچه ما از ابرهه می‌دانیم، کاملاً منافات دارد. حقیقت این است که ابرهه، مسیحی سخت متعصب بوده که به محض اینکه، قدرت را در یمین به دست می‌گیرد، آریاط یعنی رهبر یهودی یمین را می‌کشد^{۱۴}؛ یهودیان را از یمین می‌تاراند و تمایل خود را مبنی بر روگردانیدن زوار از کعبه به کلیسای ساخت خود، اعلان می‌دارد. قرآن به صراحت از نیرنگ پنهانی ابرهه (کید) پرده بر می‌دارد، اما آنچه افواه درباره انگیزه ابرهه برای لشکرکشی به مکه می‌دانند، نشانی از نیرنگ و کید ابرهه ندارد، بلکه، از نوعی نمایش قدرت و غرض‌ورزی علنی با اعراب، خبر می‌دهد. (فراهی، ص. ۱۹)^{۱۵} با این حال، گزارش‌های معتبری در دست است که از کید ابرهه پرده بر می‌دارد. ابرهه، ماه‌های حرام را برای آغاز حمله، انتخاب می‌کند با این تصور که مردم در این ایام، تجهیزات جنگی ندارند و رغبتی به جنگ نشان نمی‌دهند.

او تصمیم داشت زمانی وارد مکه شود که مکیان به همراه سایر اعراب، برای برگزاری آیین‌های عبادی خود، به خارج از شهر رفته‌اند. از همه مهم‌تر اینکه، او می‌خواست در ایام تشریق که اعراب در منی به سر می‌برند یا از مراسم عبادی احساس خستگی می‌کنند و قصد رجعت به مناطق مختلف زندگی خود را دارند، به مکه حمله کند. این همان طرح و نقشه‌ای است که قرآن از آن با عنوان «کید» یاد می‌کند. خداوند این کید را با به محاصره انداختن ابرهه توسط اعراب دست به سنگ، نقش بر آب می‌کند («تضلیل»). از این رو، پیداست که مکیان با سنگباران ابرهه، از خانه خدا محافظت می‌کنند و دلیلی ندارند که از این خانه محافظت نکنند (فراهی، ص. ۱۹).

د) سنگباران سپاه ابرهه و فرو فرستادن

پرنندگان

فراهی نمی‌پذیرد که سپاهیان ابرهه را پرنندگان شکاری سنگ به منقار و چنگال، از بین برده باشند. به باور فراهی، فاعل فعل «ترمی» در آیه چهارم سوره، همان فاعل عبارت «الم‌تر» در آیه اول، یعنی اعرابی است که با پرتاب کردن سنگ به سوی مهاجمان، در پی دفاع از مکه و کعبه بودند. از نظر دستوری و کارکرد، فعل «ترمی» یا برای ضمیر «علیهم»، به زمان حال است یا جمله‌ای جدید (جمله مستأنفه) است اما در هر دو صورت، معنای یکسان دارد (فراهی، ص. ۳۰).

فراهی به نقل از ابن هشام و سایر منابع، ابیاتی از شاعران را ذکر می‌کند تا نشان دهد که علت «رمی»، طوفان باد است. سیف ابن عامر از شعرای جاهلیت، «رمی» را به طوفان گرد و غبار (صاف) و طوفان شن (حاسب) مرتبط می‌کند. نوفل بن حبيب نیز که از شاهدان عینی است، نقل می‌کند که او هنگامی که پرنندگان و بارش سنگ را از آسمان دید، شکر خدای را به جا آورد. این مدارک و داده‌ها نشان می‌دهند که سپاه ابرهه را طوفان سهمگینی که گرادگرد آن را فرا گرفته بود، نابود کرد. اغلب شاعران عرب از پرنندگان شکاری سخن می‌گویند که سپاهیان را در صحنه‌های جنگ همراهی می‌کنند چرا که در پی گوشت مردار و کشتگان می‌گردند. برای نمونه، نابغه از شعرای جاهلیت، از عمر بن حارث و قبیله‌اش می‌گوید:

«آن‌گاه که با سپاه خود حمله کردند

بر فراز آن‌ها پرنده‌گانی به پرواز درآمدند

پرنندگان بسیاری که در پی هم در پرواز بودند»

در نهایت، فراهی تفسیر خود را از مناسک «رمی جمرات» حج (پرتاب سنگ به سوی انبوهی از سنگ‌ریزه‌ها) ارائه می‌دهد. او تفاسیر سنتی در این زمینه را قبول ندارد. این تفاسیر عنوان می‌کنند که «رمی» ناظر است به ۱) سنگ انداختن ابراهیم به سمت قوچی که خداوند به جای اسماعیل فرستاده بود؛ ۲) سنگ انداختن ابراهیم به سمت شیطان که نمی‌خواست به ابراهیم، اسماعیل را قربانی کند و ۳) سنگ انداختن آدم به سمت شیطان^{۱۶}. فراهی پس از انتقاد به این برداشت‌ها، رمی جمرات را شکست سپاهیان ابرهه به دست اعراب می‌داند^{۱۷}. در





{اولی، وُسط و عقبه} با سه بار پیشروی و عقب‌نشینی سپاه ابرهه، هم‌خوانی دارد. وانگهی، نگاهی به کاربرد واژه «جمر»^{۳۳} در زبان عربی نشان می‌دهد که این واژه، نام گروهی از افراد است که مستقل از یکدیگر بوده و شکل متحد قبیله‌ای ندارند و بیشتر به قدرت و توان نظامی خود اتکا دارند (فراهی، ص. ۳۰). و این توصیف با سپاه ابرهه هم‌خوانی دارد و از این رو، سپاه ابرهه، از آن پس «جمرات»^{۳۴} نام گرفتند.

تأثیر روان‌شناختی مناسک رمی جمرات، بسته به اینکه چگونه تفسیر شود، متفاوت است. آن دسته که معتقدند این مراسم، یادآورد پیروزی بزرگی است که خداوند به واسطه آن مردم کعبه را مورد لطف و موهبت خویش قرار داد، درخواست یافت که ایمانشان به خدا فزونی گرفته است و احساس می‌کنند به رغم قوای اندک، خداوند پیروزی آن‌ها را در برابر دشمنان تضمین خواهد کرد (فراهی، ص. ۴۰).

بخش دوم

سوره فیل یکی از جمله چند سوره‌ای است که فراهی توانست قبل از مرگ خود، گزارش تفسیری کاملی بر آن بنویسد. این گزارش تفسیری، بسیاری از ویژگی‌های روش‌شناسی مفسران فراهی را نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها را مرور می‌کنیم.^{۳۵}

شعر شعرای جاهلیت به ایجاز یا تفصیل، به تمام آداب حج اشاره شده، اما ذکر از رمی جمرات به میان نیامده است و این نشان می‌دهد که مراسم رمی جمرات پس از حادثه اصحاب فیل رواج یافته است^{۳۸}؛ و از آنجا که رمی جمرات، نشان از موهبت عظیم خداوند دارد، به مناسک حج وارد شده است. اصحاب فیل همان جایی سنگباران شدند که امروزه مناسک رمی جمرات انجام می‌گیرد، یعنی یا در «مهسب»^{۳۹} است که بخشی از سرزمین مناست یا در وادی «محسر»^{۴۰} که بین «مزدلفه»^{۴۱} و سرزمین «منا»^{۴۲} قرار دارد. فراهی می‌نویسد:

«از آنجا که سپاه ابرهه در «محسر» قرار داشت و به سوی مکه پیش می‌رفت، پیش قراولان باید در محلی که «سنگ‌اندازی» در آن انجام می‌شود یعنی «مهسب» بوده باشند. بنابراین، بسیار معتبر است که این مناسک را مبین سنگباران پیش قراولان سپاه ابرهه به دست اعراب بدانیم و اینکه، متعاقب آن سنگباران الهی از آسمان نازل شد» (فراهی، ص. ۳۶).

به نظر می‌آید که سپاه ابرهه در سه روز متوالی قصد پیشروی به سمت مکه را داشتند که هر سه روز سنگباران شدند و همراه با سنگباران اعراب، طوفان شن و ماسه نیز به امر الهی از آسمان فرو باریدن گرفت. از این رو، سه بار عمل رمی جمرات



در تفسیر قرآن، فراهی حق تقدم را به خود متن قرآن می‌دهد. البته، این نکته، اصل تفسیری جدید به حساب نمی‌آید، اما بهره‌ای که فراهی از آن می‌برد، پرتوی تازه بر رویکرد او به قرآن می‌افکند. ابتدا، فراهی «منصوص»^{۴۶} (متن قرآن) را از «مأخوذ» (یا دقیق‌تر، مأخوذ از روایات) بازمی‌شناسد. درست است که اصالت و سندیت قرآن جای هیچ شک و شبهه ندارد، لازم است که روایات سره را از ناسره بازشناخت (فراهی، ص. ۱۵). فراهی، نمونه‌ای کارآمد از تشخیص روایات سره از ناسره را ذیل مطالب مربوط به «رمی» در آیه ۴ سوره فیل، ذکر می‌کند. کلیات این موضوع را در بخش اول مرور کردیم.

فراهی مصرانه به متن قرآن به منزله حکم نهایی معنا، پای بند است. با مطالعه تفسیر او، به این برداشت متمایز می‌رسیم که فراهی، متن قرآن را نه سکویی برای پرش‌های اندیشمندانه برون‌سو، بلکه، مرکزی می‌داند که تمام مطالب تفسیری باید به آن ارتباط یابد و در واقع، معیاری است که ارزش و صدق مطالب تفسیری را نسبت به آن، می‌سنجد. شاهد مثال، تفسیر فراهی از واژه «کید» است. به باور من، هیچ مفسری، توضیحی قانع‌کننده‌تر برای این واژه ارائه نداده است.

فراهی در مطالعات آیات یا سوره‌های قرآنی، مخاطب سوره را دارای اهمیت بسیار می‌داند. برای نمونه، عمده پژوهشگران، گاه، مفرد را در معنای جمع به کار می‌برند، اما طبق قاعده، مفرد را باید به مفرد تعبیر کرد. فراهی، درک ظریف‌تری از بحث خطاب را در قرآن ارائه می‌کند. او آیات ۲۱-۴۰ سوره طه را شاهد مثال می‌آورد که در آن، خطاب از مفرد به جمع یا بالعکس، تغییر می‌کند. فراهی می‌گوید نمی‌توان استدلال کرد که در این آیات، خطاب مفرد به شخص پیامبر است، چون آیه ۲۳ که خطاب به فردی است که باید نسبت به والدین خود در سنین پیری، مهربان باشد؛ نمی‌تواند خطاب به پیامبری باشد که پیش از بعثت، والدین خود را از دست داده است. فراهی بر این باور است که قرآن طبق قاعده، خطابش به عموم مردم است و در سوره‌هایی نیز که پیامبر مخاطب است (تین / ۵؛ قارعه / ۳ و ۱۹)، عموم مردم طرف خطاب قرار دارند. بحث خطاب به ویژه، در سوره فیل، دارای اهمیت است که خطاب آیه اول آن به باور اکثر مفسران، به شخص پیامبر است، اما به زعم فراهی، قریشیان مخاطب اصلی این آیه محسوب می‌شوند. پیش‌تر دیدیم که اختلاف در تعیین مخاطب، تفاسیر کاملاً متنبابینی از سوره به دست داد.

یک اصل اساسی در روش شناسی تفسیری فراهی این است که قرآن هم انسجام مضمونی و هم ساختاری دارد. فراهی نه فقط معتقد به مضمون محوری یا عمود سوره است - عمود عامل وحدت‌بخش سوره است و رابطه میان توالی موجود آیات سوره را تبیین می‌کند - بلکه به ارتباط میان سوره‌ها در چینش کنونی آن‌ها نیز باور دارد. از جمله دلائل اینکه چرا فراهی اصرار دارد خطاب سوره فیل به قریشیان است، ارتباط اندام‌وار آن با سوره متعاقب خود یعنی سوره قریش است (فراهی، ص. ۶) ... یکی از جنبه‌های مهم روش‌شناسی تفسیری فراهی،

سنجش نقادانه روایات است. بخشی از این سنجش این است که فراهی، گزارش مورد نظر خود را در بافتی بزرگ‌تر قرار می‌دهد - خواه این روایت به تاریخ مربوط باشد خواه به مذهب، شخص یا کاربرد زبان‌شناختی؛ فراهی این بافت بزرگ‌تر را با عنایت به طیفی گسترده از منابع و مقایسه، مقابله، سازمان‌دهی، طبقه‌بندی و ارزیابی تمام روایات در دسترس درباره موضوع مورد نظر، برمی‌سازد. شاهد مثال، انکار دلیلی است که فراهی برای حمله ابرهه به مکه ذکر می‌کند؛ اینکه، ابرهه به دلیلی توهینی که به کلیسای او شده بود، به مکه حمله کرد. او استدلال می‌کند که شخصیت کلی ابرهه که در سایر روایت‌ها نقل شده، سنخیتی با انگیزه او در حمله به مکه ندارد. روایت دیگری را که فراهی انکار می‌کند، فرار مکیان از ترس سپاه ابرهه و پناه گرفتن در کوه‌هاست.

جنبه‌ای دیگر از سنجش نقادانه فراهی، انتقاد منطقی است. برای نمونه، انتقاد منطقی فراهی به گزارش‌هایی است که درباره رمی جمرات شیطان به دست ابراهیم است. استدلال فراهی این است: در مناسک حج، و در خلال ایام رمی، یگانه جمره‌ای که روز اول سنگباران می‌شود، نزدیک‌ترین مکان به مکه است - حقیقتی که با پیشروی ابرهه در روز اول به سمت مکه، قیاس‌شدنی است. این جمره (که به جمره اولی موسوم است)، بزرگ‌ترین جمره است و این امر، به طریق اولی با موقعیت سپاه ابرهه، هم‌خوانی دارد، چون ابرهه به دلیل رویارویی با سنگباران شدید مکیان، در سخت‌ترین شرایط قرار دارد و دیگر رمق چندانی برای ابرهه در روزهای دیگر باقی نمی‌ماند. حال، اگر رمی را صرفاً سنگ‌اندازی ابراهیم به شیطان تعبیر کنیم، دیگر حجم و اندازه جمرات، اهمیت قیاس‌شدنی نمی‌داشت. وانگهی، زائران رویارو با کعبه، در دو روز اول، نمازهای طولانی به جا می‌آورند، اما در روز سوم از این نمازها هیچ خبری نیست. بر طبق روایات، عبدالمطلب به درگاه خداوند به سبب کمکی که به مکیان کرده بود، نماز برد. پس از شکست سپاه ابرهه در روز سوم، زوار عرب به شکرانه پیروزی به نماز ایستادند و به همین دلیل است که پس از رمی جمرات در روز سوم، هیچ آداب عبادی دیگری توصیه نشده است. باردیگر، برپایی نماز در دو روز اول، فقط بر اساس این دیدگاه توجیه‌پذیر است که مناسک سنگ‌اندازی، یادآور سنگباران شیطان به دست ابراهیم باشد.^{۴۷}

پانوشتها

۱. پیش‌نویسی از این مقاله در آکادمی امریکایی کنفرانس مذهب که در نوامبر ۱۹۹۸ در اورلاندو واقع در فلوریدا برگزار گردید، ارائه شد (ن). مشخصات اصلی مقاله به شرح زیر است:

Mir, Mustansir (2005). Elephants, Birds of Prey, and Heaps of Pebbles: Farahi's Interpretation of Sūrat al-Fil. *Journal of Quranic Studies*, Volume 7:1. Pp. 33-47

۲. دکتر مستنصر میر در ۱۹۴۹ م در پاکستان به دنیا آمد و در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹ م. از کالج دولتی دانشگاه پنجاب لاهور، مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دریافت کرد. سپس، در یکی از حوزه‌های مطالعات اسلامی دانشگاه میشیگان در سطح کارشناسی



ارشد و در ۱۹۸۳ با نگارش رساله «انسجام در قرآن» از همین دانشگاه درجه دکتری دریافت کرد. تا کنون در دانشگاه های لاهور، میشیگان (آمریکا)، آن آرپور، و دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی تدریس کرده و عجلاتا در دانشگاه ایالتی یانگستون در اهابو رشته مطالعات اسلامی را تدریس می‌کند. میر درباره اقبال لاهوری تحقیقات و مطالعاتی به عمل آورده و اکنون نیز سردبیری نشریه Iqbal Quarterly را بر عهده دارد. اما به نظر می‌رسد علاقه و دغدغه اصلی میر، مطالعات قرآنی است. از جمله کتاب‌های مهم اوست: انسجام و پیوستگی در قرآن: مطالعه مفهوم نظم در تدبیر در قرآن اثر اصلاحی، مفسر و قرآن شناس هندی (۱۹۸۶)؛ فرهنگنامه اصطلاحات و مفاهیم قرآنی (۱۹۸۷)؛ گل لاله‌ای در بیدان: گلچینی از اشعار اقبال لاهوری (۲۰۰۰). «قرآن به منزله اثری ادبی» (۱۹۸۸)، «کنایه در قرآن» (۲۰۰۰)، «سوره به منزله کلیت»، «مطایبه و شوخ‌طبعی در قرآن» (۱۹۹۱)، «دیالوگ در قرآن» (۱۹۹۲). «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زبانی قرآن کریم» (۲۰۰۶)؛ «برخی فنون و صنایع ادبی در قرآن» (۲۰۰۸) و مقاله «برخی وجوه روایتگری در قرآن» از آخرین مقاله‌های اوست که در سال ۲۰۰۹ نوشته شده و از همین قلم ترجمه شده است.

۳ حمیدالدین فراهی (۱۳۴۹-۱۳۳۰/۱۲۸۰-۱۹۳۰-۱۸۶۳) در فرها (نام فراهی نیز از همین روست)، روستایی در منطقه اعظم‌گره (ایالت اوتارپرادش، هند)، در خانواده‌ای سرشناس به دنیا آمد. محمد شبلی نعمانی (۱۳۳۲-۱۲۷۴/۱۹۱۴-۱۸۵۸)، مورخ-متاله برجسته، اقوام مادری او به حساب می‌آید. فراهی پس از مطالعه عربی، فارسی و علوم اسلامی نزد چند تن از عالمان برجسته مذهبی- از جمله شبلی نعمانی- در سن بیست سالگی، مجوز ورود به کالج اسلامی معتبر علیگره را به دست آورد و در آنجا، قواعد و اصول مدرن دانش را مطالعه کرد. فراهی در زمان دانشجویی، بخش‌هایی از کتاب الطبیقات الکبری اثر ابوعبدالله محمد بن سعد زهری (۲۳۰-۵۱۶۸. ق/۸۴۵-۷۸۴م) را به فارسی ترجمه کرد. ترجمه به حدی خوب بود که سید احمد آن را در برنامه آموزشی کالج قرار داد. در نهایت، فراهی، مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه الله آباد اخذ کرد. برای چندین سال، در مؤسسات مختلف از جمله علیگره و دارالعلوم حیدرآباد با تدریس زبان عربی، روزگار گذراند و در مدت اقامت در حیدرآباد، در اندیشه تاسیس دانشگاهی بود که تمام مذاهب و علوم جدید را به زبان اردو تدریس کند. اندیشه فراهی بعدها به اسم جامعه عثمانیه حیدرآباد تحقق یافت. فراهی که دانشمندی فاضل بود، بر چند زبان از جمله عبری و انگلیسی، تسلط داشت. زبان عبری را از خاورشناس آلمانی جوزف هورویتز (۱۹۳۱-۱۸۷۴)، استاد زبان عربی در کالج اسلامی علیگره، آموخت. هورویتز نیز عربی را نزد فراهی آموخت. علاقه اصلی فراهی به قرآن، موضوع اصلی تمام نوشته‌های وی محسوب می‌شود. بسیاری از آثار منتشر شده فراهی، یادداشت‌هایی است که شاگردانش گردآوری کرده‌اند. علاوه بر سه کتابی که ذکر شد، دیگر آثار او عبارتند از: مفردات القرآن (واژگان قرآن)، اسالیب القرآن (سبک‌های قرآن)، جمهرات البلاغه (راهنمای بلاغت قرآنی) و امان فی اقسام القرآن (مطالعه سوگندهای قرآنی) (میر، انسجام در قرآن، در دست چاپ).

۴ در تفاسیر شیعی مانند المیزان و نمونه، این تفسیر نیامده است. شایان ذکر اینکه، ذکر آرای نویسنده به معنای تأیید همه‌جانبه آن نیست. م.

۵. مقایسه با جنگ چریکی در تفسیر سوره در تدبیر در قرآن امین احسن اصلاحی شاگرد فراهی صورت گرفته است. برای دسترسی به نکاتی مختصر در مورد تدبیر در قرآن مراجعه کنید به پاراگراف بعدی.

۶ تفسیر طولانی و منسجمی که فراهی بر سوره فیل نگاشته است شامل مباحث جالب توجهی از زبان الهیات بوده و مقایسه چشمگیری میان انجیل و قرآن از یک سو و از سویی دیگر میان مشاغل تاریخی بنی اسرائیل و بنی اسماعیل انجام می‌دهد. برخی از این مباحث و مقابله‌ها در صفحات بعدی ارائه خواهد گردید. ن.

۷. اصلاحی یکی از ممتازترین دانشجویان فراهی است. در سال ۱۳۴۴/۱۹۰۶ در بمپور، روستایی در اعظم‌گره، به دنیا آمد. بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در مدرسه اصلاح پذیرفته شد و در سال ۱۳۴۱/۱۹۲۲ از آنجا دانش‌آموخته شد. اصلاحی، کار خود را با روزنامه نگاری آغاز کرد، و

برای چندین روزنامه مطلب می‌نوشت. در ۱۳۴۴/۱۹۲۵، فراهی را ملاقات و به پیشنهاد وی کار روزنامه را رها کرد و به سرایی میر آمد تا با او به تحقیق و مطالعه بپردازد. از ۱۳۴۴/۱۹۲۵ تا زمان مرگ فراهی، یعنی برای مدت پنج سال، اصلاحی در کنار فراهی زندگی کرد و با دیدگاه وی درباره قرآن، آشنایی کامل پیدا کرد. اصلاحی نه فقط قرآن بلکه فلسفه، سیاست و سایر مباحث را نیز نزد فراهی آموخت. پس از وفات فراهی، اصلاحی، علم حدیث (سنت نبوی) را از محمد عبدالرحمن مبارک پوری (۱۲۸۳ یا ۱۳۵۴-۴/۱۸۶۶ یا ۱۹۳۵-۷) یکی از بزرگ‌ترین محدثان هندی-فرا گرفت. وقتی به سرایی میر بازگشت، تدریس در مدرسه اصلاح را از سر گرفت و فعالانه مدیریت آن را نیز عهده دار شد. اصلاحی مقدمات چاپ آثار فراهی را فراهم و مجله اصلاح را منتشر کرد. در ۱۳۵۹/۱۹۴۰ ابوالاعلی مودودی (۱۹۷۹-۱۹۰۳/۱۹۰۳-۱۴۰۰/۱۳۲۱) جماعت اسلامی را تأسیس کرد که سازمانی سیاسی-مذهبی بود. اصلاحی که با اهداف این گروه موافق بود، خیلی زود به آن پیوست و به عضویت آن درآمد و در مقام یکی از شخصیت‌های اصلی، همیشه در جماعت اسلامی، جایگاهی درخور داشت. در حقیقت، اصلاحی، متفکر و روشنفکر این گروه بود و وقتی در اواسط دهه ۱۹۵۰ در پی اختلافات متعدد، از جماعت کناره‌گیری کرد، جماعت اسلامی دیگر نتوانست جای خالی او را سبز نگه دارد. اصلاحی در ۱۳۷۸/۱۹۵۸، «تنظیم الاسلامی» (سازمان اسلامی) را دایر کرد اما عملکرد آن موفقیت‌آمیز نبود. از آن زمان، اصلاحی به طور مستقل به کارهای علمی خود سرگرم شد. مهم‌ترین نتیجه این دوران، نگارش تدبیر قرآن بود که بخش‌هایی از آن را ابتدا در ماهنامه میثاق به چاپ رساند که شخصاً در سال ۱۳۷۹/۱۹۵۹ منتشر می‌کرد. اصلاحی پس از تألیف تدبیر قرآن در ۱۴۰۰/۱۹۸۰، مرکز مطالعه و تحقیق را در لاهور تأسیس کرد که تعالیم و آموزش‌های قرآن و حدیث را مطابق با آرای فراهی-اصلاحی تدریس می‌کرد. این مرکز مطالعه، جلساتی منظم برگزار می‌کرد و به انتشار نشریه تدبیر نیز مبادرت ورزید. اصلاحی کتاب‌ها و مقالات بسیاری را درباره موضوعات مختلف اسلامی نگاشته است. علاوه بر تدبیر و مبادی تدبیر قرآن، سایر کتاب‌های او عبارتند از: تزکیه نفس؛ پیام‌های دین و راه صحیح ترویج و تبلیغ آن؛ تدوین قانون اسلامی؛ ریاست اسلامی (حکومت اسلامی) و زنان پاکستانی بر سر دو راهی. (میر، انسجام در قرآن، در دست چاپ).

۸. فراهی فیل را در معنای جمع به کار می‌برد. ن.

۹. فراهی نمونه‌ای بسیاری را از کاربرد ضمیر دوم شخص مفرد ذکر می‌کند. ن.

۱۰. فراهی، تفسیر سوره فیل، صفحه ۵

۱۱. به اعتقاد فراهی، سوره فیل همچنین با یکی از سوره‌های متعاقب آن یعنی «همزه» در ارتباط است. سوره همزه، هشدار به متکبران است که از آتش جهنم سر درخواهند آورد. فراهی پیشنهاد می‌کند سوره فیل می‌تواند خطاب به افرادی مانند ابولهب باشد مبنی بر اینکه: آیا ندیدید که خداوند چگونه امثال شما را در هم کوبید...؟ (فراهی، تفسیر سوره فیل، صفحات ۷-۶). ن.

۱۲. ابرهه نامی است غیرعربی که صورت حبشی ابراهیم یا ابراهام در گویش حبشیان به شمار می‌آید این نام را در تاریخ شاهان اکسوم (حبشه) می‌توان یافت. نام ابرهه در منابع عربی به صورت‌های ابرهه‌الاشرم، ابرهه بن الاشرم، ابرهه بن صباح آمده است که از این میان ابرهه اشرم (اشرم: شکافته بینی و لب) پذیرفتنی‌تر می‌نماید و گاه نیز با کنیه ابویکسوم، ابرهه بن صباح یا کنیه نادرست ابواصحم آمده است. م.

۱۳. در ویکی فقه آمده است: بر پایه گزارش منابع عربی، ابرهه کلیسایی باشکوه و بی‌مانند به نام قلیس (از واژه یونانی در صنعا ساخت و خواست تا آن را زیارتگاه عرب کند. این بود که عرب‌ها به خشم آمدند و یکی از نسائه بنی قُیْم، قلیس را آلوده کرد. از این رو ابرهه خشمگین شد و به آهنگ ویران کردن کعبه با سپاهی که فیل به همراه داشت، به مکه تاختن آورد و در مسیر راه قبایل مختلفی را که به مقابله وی برخاستند، درهم شکست و چون به مکه رسید گویا خناطه و خوبلد روسای قبایل بکر و هدیل یک سوم دارایی تهامه را به شرط چشم‌پوشی از ویران کردن کعبه



به وی پیشنهاد کردند، اما ابرهه نپذیرفت. سپس عبدالمطلب مردم را به خالی کردن شهر و پناه بردن به کوه خواند و خود به حلقه کعبه درآویخت و به نیایش پرداخت و سپس به کوه روی آورد. از میان پژوهشگرانی که به حمله فیل پرداخته‌اند، روسینی، نگرشی ویژه و نامأنوس دارد. او گزارش عربی پیرامون حمله فیل را نپذیرفته است و آن را تحریفی از حمله ائیل (افیلاس) شاه حبشی پایان سده ۳ م دانسته است، زیرا به باور وی استفاده از فیل در راه‌های ناهموار و بیابان‌هایی که حتی شتر به سختی آن‌ها را می‌پیماید، کاری شدنی نیست؛ و از آنجا که این فیل در گزارش عربی نامی انسانی (محمود) گرفته است، می‌توان گفت که نام شاه اقیل در گذر زمان به فیل تبدیل شده است. آنگاه خداوند سپاه ابرهه را با فرو باراندن سنگ‌های سجیل از میان برداشت و ابرهه ناکام به یمن بازگشت. اما به نظر می‌آید که فریفتگی روسینی در برابر همانندی آوایی این دو واژه چنین تفسیر دوری را سبب شده باشد، زیرا گزارش‌های مستقلى که پیرامون حمله فیل در دست هست، هیچ‌گونه تردیدی را در این باره بر نمی‌تابد. م. (ویکی‌پدیا؛ البته، نقل مطالب از ویکی‌پدیا به منزله تأیید همه‌جانبه آن نیست).

۱۴. در ویکی فقه آمده است: نجاشی ارتباط را با سپاهی به سرکوبی ابرهه فرستاد، اما ابرهه، ارتباط را در جنگی تن‌به‌تن و به یاری غلام خود، ناپکارانه از پای در می‌آورد.

۱۵. در ویکی فقه آمده است: در گزارش‌های داستان‌وار منابع عربی انگیزه‌هایی گوناگون و گاه سخت بی پایه برای لشکرکشی ابرهه به مکه می‌توان یافت که کمابیش در همه آن‌ها تقابلی میان قلیس و کعبه دیده می‌شود. بنابراین، می‌توان پذیرفت که عرب‌ها دریافته بودند که زمینه‌ای برای تغییر دین آنان فراهم آمده است و از این رو به گونه‌ای با آن مخالفت می‌ورزیدند. اما بی‌گمان انگیزه گشودن مکه باید بزرگ‌تر از ویران کردن کعبه بوده باشد و شاید بتوان پذیرفت که هدف این لشکرکشی گسترش نفوذ مسیحیت در بخش‌های غربی و جنوبی شبه جزیره و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی رومی‌ها و حبشی‌ها بود. برخی از پژوهشگران گزارش کشته شدن محمد بن خزاعی از قبیله سلیم را گواه چنین نگرشی شمرده‌اند. بر پایه این گزارش ابرهه، محمد بن خزاعی را بر قبیله مضر ریاست بخشید و او را فرمان داد تا مردم را به زیارت قلیس بخواند، اما مردی از قبیله هذیل او را کشت. بدین‌سان، ابرهه که طرح توسعه‌طلبانه خود را در خطر می‌دید، به سرکوب متجاسران کمر بست. تردیدی نیست که شاهان یمن می‌خواستند از رهگذر امیران محلی نفوذی هم‌تراز با نفوذ رومیان و ایرانیان بر شمال شبه جزیره داشته باشند تا کاروان‌های بازرگانی را ایمن دارند. بنابراین گزارش شرکت قبیله کنده در لشکرکشی ابرهه که از منابع مستقل آمده است، می‌تواند تأییدی بر این نکته باشد. وانگهی نقش بیزانس را در این میان نباید کم گرفت، زیرا بر پایه نوشته پروکوپئوس، ابرهه برای انجام دادن وعده‌ای که به یوستینین داده بود (حمله به ایران) به راه افتاد، اما بی‌درنگ بازگشت. م. (منبع: ویکی‌پدیا).

۱۶. رمی جمرات یعنی سنگریزه زدن به سه محل گفته شده که باید روز عید قربان و روز یازدهم و دوازدهم و در مواردی روز سیزدهم ذیحجه انجام شود. در برخی روایات سابقه این عمل تا زمان حضرت آدم کشانده شده و برخی دیگر سابقه تاریخی آن را تا ابراهیم (ع) می‌رسانند. در مورد حضرت ابراهیم نیز نظرات و تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد. برخی روایات آن را از تعالیم جبرئیل به ابراهیم هنگام آموزش مناسک حج می‌داند و پاره ای دیگر ظهور شیطان به ابراهیم و سنگ انداختن ابراهیم به او را آغاز پیدایش این عمل معرفی می‌کند و دسته دیگر آن را یادآور سنگ‌هایی می‌داند که ابراهیم (ع) به قوچ قربانی زد. از امام صادق (ع) نقل شده است: نخستین کسی که رمی جمار نمود (به جمرات سنگ انداخت) آدم بود. چون خداوند اراده فرمود که آدم را توبه دهد، جبرئیل را نزد او فرستاد، جبرئیل گفت: خداوند مرا نزد تو فرستاده تا مناسکی که به وسیله آن توبه تو پذیرفته می‌شود وقتی خواست او را از منا به طواف خانه خدا آورد، در ناحیه جمره عقبه شیطان بر آدم ظاهر شد و از او پرسید: آهنگ کجا داری؟ جبرئیل به

آدم گفت: او را هفت سنگ بزن و با انداختن هر سنگی تکبیر بگو. آدم چنانکه جبرئیل گفت، انجام داد و شیطان رفت. جبرئیل روز دوم دست آدم را گرفت تا به جمره اولی رسید. ابلیس بر او آشکار شد، جبرئیل گفت: هفت سنگ به او بزن و با هر سنگی تکبیر بگو. آدم چنان کرد. ابلیس رفت و دوباره در محل جمره وسطی بر او آشکار شد و به آدم گفت: آهنگ کجا داری؟ جبرئیل گفت: او را هفت سنگ بزن و با هر سنگی تکبیر بگو، و آدم چنان کرد و ابلیس فرار کرد و این عمل را تا چهار روز انجام داد و جبرئیل بعد از آن به آدم گفت: شیطان را بعد از این هرگز نخواهی دید. روایت دیگر این است که چون ابراهیم از ساختن خانه خدا فارغ گشت، جبرئیل مناسک و آداب حج را به او آموخت و چون وارد منا شدند و از ناحیه عقبه فرود آمدند، شیطان در ناحیه جمره عقبه بر او آشکار شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار او را سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. دوباره در جمره وسطی بر او ظاهر شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. برای بار سوم در محل جمره اولی بر او آشکار شد. مجدداً جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم نیز هفت سنگ بر او زد و شیطان مخفی شد. در گزارشی دیگر چنین آمده است: چون ابراهیم از ساختن خانه خدا فارغ گشت، گفت خداوند کار را به سامان رساندم، اینک مراسم را به ما تعلیم فرما. خداوند جبرئیل را فرستاد که ابراهیم را حج یاد دهد. روز قربانی که فرا رسید شیطان بر او آشکار گشت، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت سنگ انداخت و فردا و روز سوم نیز چنین کرد. طبری رمی جمرات را یادآور سنگ‌هایی می‌داند که ابراهیم خلیل به قوچ قربانی زد؛ و آن بیست و یک سنگ که ابراهیم انداخت نیز سنتی گشت که حاجیان چون بدان جایگاه رسند سه روز هر روزی ایشان را بیست و یک سنگ بیاورد. روایات منقول از امامان شیعه، با گزارش سوم سازگار است. این روایات از طریق ائمه از پیامبر اسلام (ص) نیز نقل شده است و از این نظر از اهمیت بیشتری برخوردار است. چنانکه از امام صادق (ع) نقل شده است: نخستین کسی که رمی جمار کرد، آدم بود. بعد از آن جبرئیل نزد ابراهیم آمد و گفت: ای ابراهیم سنگ بزن، ابراهیم به جمره عقبه سنگ انداخت زیرا شیطان نزد جمره بر او آشکار شده بود.

۱۷. البته، منافاتی نداشت اگر فراهی این تفسیر را در کنار سه تفسیر سنتی قرار می‌داد. م.

۱۸. البته، میر به نقل از فراهی، دلایل متقن برای برداشت و تفسیر خود ارائه نمی‌کند. صرف اشاره به اینکه این مناسک در شعر شعرای جاهلیت آمده، یا داده‌هایی از این دست کفایت نمی‌کند. م.

19. Muhassab

20. muhassir

21. Muzdalifa

22. Mina

23. Jamar

24. Jamarat

۲۵. برای آشنایی با روش‌شناسی تفسیری فراهی، نک به کتاب انسجام در قرآن اثر مستنصر میر (۱۹۸۳) فصل دوم. این کتاب از همین قلم ترجمه شده و در انتشارات حکمت در دست چاپ است.

26. mansus

۲۷. مقاله میر همین جا پایان نمی‌گیرد و میر به چند ویژگی دیگر تفسیر فراهی اشاره می‌کند. از آن جمله است استفاده فراهی از کتاب مقدس برای تبیین برخی آموزه‌های قرآنی؛ نگاه خاص و نامتعارف فراهی نسبت به خوارق و عنایت خاص فراهی به شعر و ادبیات جاهلیت. از آنجا که به نظر می‌آید طرح این مسائل ممکن است به شبهاتی دامن بزند که رفع آن‌ها نیاز به مجال و مباحث تخصص دارد، مترجم این مطالب را ترجمه نکرده است. با این حال، این مطالب که البته، حجم چندانی نیز ندارند، در اصل مقاله موجود است و خوانندگان علاقه‌مند را به خواندن اصل مقاله توصیه می‌کنم. م.

